

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰





الدين و التدين

۷
۷
۱۱
۱۹
۲۲

الدرس الأول: الدين و التدين

قواعد: معاني الحروف المشبهة بالفعل و لا النافية للجنس

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

۲۵
۲۵
۳۰
۳۸
۴۱

الدرس الثاني: مكة المكرمة و المدينة المنورة

قواعد: أحوال

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

مكة المكرمة و المدينة المنورة

الكتب طعام الفكر

۴۳
۴۳
۴۸
۵۷
۶۰

الدرس الثالث: الكتب طعام الفكر

قواعد: الاستثناء و أسلوب الحصر

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

۶۲
۶۲
۶۷
۷۴
۷۷

الدرس الرابع: الفرزدق

قواعد: المفعول المطلق

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

الفرزدق

۷۹
۸۳
۸۵
۹۰
۹۶
۱۰۷

خلاصه درسها

مشاوره شب امتحانی

نمونه امتحان های نیم سال اول

پاسخ نامه نمونه امتحان های نیم سال اول

نمونه امتحان های نیم سال دوم

پاسخ نامه نمونه امتحان های نیم سال دوم



آموزش قواعد و مفاهیم درس

معانی حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ

در این درس ابتدا با معانی حروف پُرکاربردی مانند «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، نَيْتٌ و لَعَلَّ» آشنا می‌شوید که به این حروف، «حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ» گفته می‌شود و سپس با «لَايِ نفي جنس» آشنا خواهید شد. (اگر فوب دقت کنید، متوجه می‌شوید که اون چهار تای اولی به «ن» فتم می‌شن و دو تای آخری با حرف «ن» شروع می‌شن! ضمناً حروف مُشَبَّهَةٌ همشون تشدید دارن غیر از «نَيْت» این ویژگی کمکتون می‌کنه بعضی از این حروف مُشَبَّهَةٌ رو با هیزای مشابه اشتباه نگیرین!)
خلاصه حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ در یک نگاه

حرف مُشَبَّهَةٌ	بار معنایی	ترجمه	نکته خاص
إِنَّ	دارای معنای تأکیدی	قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان	در شروع جملات می‌آید.
أَنَّ	دارای معنای ارتباطی	که	معمولاً میان دو جمله می‌آید.
كَأَنَّ	دارای معنای تشبیهی	گویي، مانند	—
لَكِنَّ	دارای معنای «تکمیلی» و «رفع ابهام»	ولی، اما	معمولاً میان دو جمله می‌آید.
نَيْتٌ	دارای معنای آرزو	کاش	نَيْتٌ + مضارع = معنای مضارع التزامی نَيْتٌ + ماضی = معنای ماضی استمراری
لَعَلَّ	دارای معنای «احتمال» یا «امید»	شاید/ امید است	لَعَلَّ + مضارع = معنای مضارع التزامی

برای راحتی کار، این حروف را به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

الف) حروف «إِنَّ»، «أَنَّ»، «كَأَنَّ» و «لَكِنَّ»

«إِنَّ»: این حرف باعث «تأکید» جمله پس از خود می‌شود و به معنای «قطعاً»، «همانا»، «به درستی که»، «بی‌گمان» و ... به کار می‌رود. (یادتون باشه که این حرف رو با «إِن» شرطی به معنای «اگر» اشتباه نگیرین چون تشدید نداره!)

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ التَّحْلُ: ۹۰

قطعاً خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد.

(تو ترجمه بالا، به جای «قطعاً» می‌تونین از معادل‌های دیگرش هم استفاده کنید، مثل «همانا»، «به درستی که» و «بی‌گمان»!)

ترجمه درس



الدِّينُ وَالشَّدَائِنُ
دین و دینداری

دین و دینداری

﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ يونس: ۱۰۵
با یکتاپرستی به دین روئ آور و هرگز از مشرکان نباش.

فِطْرِي: ذاتی، سرشتی، فطری، غریزی، طبیعی

التَّدِينُ	فِطْرِي	فِي	الْإِنْسَانِ.	و التَّارِيخُ	يَقُولُ	لَنَا:
دینداری	غریزی [است]	در	انسان	و تاریخ	می گوید	به ما
دینداری [یک امر] غریزی در انسان است. تاریخ به ما می گوید:						

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

لا	شَعَبٌ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ	كَانَ لَهُ دِينٌ
هیچ ... نیست	ملت‌های زمین مگر این‌که و	بود برای او (داشت) دینی

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نبوده و نیست مگر این‌که دینی

لا شَعَبٌ ← لای نفی جنس

وَ	طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ، فَـ	الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي	اِكْتَشَفَهَا	الْإِنْسَانُ،
و	روشی برای عبادت، پس	آثار باستانی که	کشف کرد آن‌ها [را]	انسان

و روشی برای عبادت داشته‌اند، آثار باستانی که انسان آن‌ها را کشف کرد

الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ: آثار کهن، آثار باستانی

وَ	الْخَضَارَاتِ الَّتِي عَرَفَهَا	مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ	النُّقُوشِ وَ	الرُّسُومِ وَ
و	تمدن‌هایی که شناخت آن‌ها [را]	از میان نوشته‌ها و	نگاره‌ها و	نقاشی‌ها و

و تمدن‌هایی که آن‌ها را از میان (از طریق) نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و

مِنْ خِلَالِ: از میان، از طریق، توسط، به وسیله

الْتَّمَاثِلِ،	تُوَكِّدُ	اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ	بِالذِّينِ وَ	تَدُلُّ عَلَيَّ	أَنَّهُ	فِطْرِيٌّ	فِي	وَجُودِهِ؛
تندیس‌ها	می‌کند [بر]	توجه	انسان	به دین و	دلالت	این‌که	فطری	در وجودش

تندیس‌ها شناخته است، بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و دلالت می‌کند بر این‌که آن، در وجودش ذاتی و فطری است.

اهْتِمَامٌ: اهمیت قائل شدن، توجه، عنایت

وَلَكِنَّ	وَأَنَا	عِبَادَتِهِ	وَ	شَعَائِرَهُ	كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛
و اما	عبادت‌هایش و	مراسمش		خرافی بود (افسانه‌آمیز)	

ولی عبادت‌ها و مراسم آن افسانه‌آمیز و خرافی بوده است.

خُرَافِيٌّ: افسانه‌ای، افسانه‌آمیز، اسطوره‌ای

مِثْلُ	تَعُدُّ	الْأَلِهَةِ	وَ	تَقْدِيمِ	الْقَرَابِينِ	لَهَا	لِـ	كَنْسِبِ	رِضَاها	وَ
مانند	زیادبودن	خدایان	و	تقدیم	قربانی‌ها	به آن‌ها	برای	به دست آوردن	خشنودی آن‌ها	و

مانند متعدّدبودن خدایان و تقدیم قربانی‌ها به آنان برای به دست آوردن خشنودی آن‌ها و

تَجَنَّبُ	شَرِّهَا.	وَ	ازْدَادَتْ	هَذِهِ	الْخُرَافَاتُ	فِي	أَدْيَانِ	النَّاسِ
دوری کردن [از]	بدی (گزند) آن‌ها.	و	افزایش یافت	این	افسانه‌ها	در	دین‌های	مردم

دوری از گزند آن‌ها، این خرافه‌ها و افسانه‌ها در گذر زمان در دین‌های مردم افزایش یافت.

لَكِنَّ: ولی ← از حروف مشبّهة بالفعل

عَلَى	مَرِّ	الْعُصُورِ.	وَلَكِنَّ	اللَّهَ	تَعَالَى	لَمْ	يُتْرَكْ	النَّاسَ	عَلَى	هَذِهِ	الْحَالَةِ؛
در گذر زمان	ولی	خداوند	متعال	ترک نکرد (رها نکرد)	مردم (را)	بر	این	حالت			

ولی خداوند متعال، مردم را در این حالت (وضعیت) رها نکرد.

فَقَدْ	قَالَ	فِي	كِتَابِهِ	الْكَرِيمِ	﴿	أَ	يَخْشَبُ	الْإِنْسَانَ	أَنْ	يُتْرَكَ	سُدِّيٌّ	أَقْبِيَامَةً: ٣٦
فرموده است	در	کتاب	گرامی‌اش	آیا	می‌پندارد	انسان	که	رها می‌شود	پوچ و بیهوده			

[پس] در کتاب گرامی‌اش فرموده است: آیا انسان می‌پندارد که پوچ و بیهوده رها می‌شود؟!

لِذَلِكَ	أَرْسَلَ	إِلَيْهِمْ	الْأَنْبِيَاءَ	لِيُبَيِّنُوا	الصِّرَاطَ	الْمُسْتَقِيمَ	وَ	الذِّينَ	الْحَقُّ.
به همین خاطر	فرستاد	به سوی آنان	پیامبران [را]	تا آشکار کنند	راه	راست	و	دین	حق [را]

به همین خاطر، پیامبران را به سوی آنان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

الدِّينُ وَالْأَعْمَالُ
لِدِينِ وَالْفِعْلُ
الْعِلْمُ وَالْأَعْمَالُ
الْقَاسِي
الْجَدِيرُ
الْحَنِيفَ
لِدِينِ وَالْفِعْلُ
الْعِلْمُ وَالْأَعْمَالُ
الْقَاسِي
الْجَدِيرُ
الْحَنِيفَ



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

۳- عَضُو مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجَذَعِ:

ب (عضوی از اعضای بدن که بالای تنه قرار دارد.)

۴- أَتَارِكٌ لِلْبَاطِلِ وَ الْمَتَمَائِلِ إِثْلُ إِنِّي الدِّينِ الْحَقُّ:

ب (رهاکننده باطل و روی آورنده به دین حق)

۵- إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ:

ب (با سخنی پنهان شروع به صحبت کردند.)

الشَّرِيحَةُ الثَّانِيَّةُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ الثَّلَاثِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْخَرْفَ الْمُسَبَّبَةَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.

(عبارت‌های زیر را ترجمه کن. سپس حرف مشبته بالفعل و لای نفی جنس را مشخص کن.)

۱- ﴿فِيْلٍ اِذْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ یس: ۲۶ و ۲۷

ب (گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگرم مرا آمرزد و مرا از گرامی‌داشتگان قرار داد.) **لَيْتٌ** ← از حروف مشبته بالفعل

۲- ﴿... لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ التَّوْبَةُ: ۴۰

ب (غمگین مباش، زیرا که خداوند با ماست.)

۳- ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ الْأَصْفَاتُ: ۳۵

ب (هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست.)

۴- ﴿لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ﴾ زَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

ب (هیچ دینی ندارد کسی که هیچ عهد و پیمانی ندارد.)

الشَّرِيحَةُ الثَّلَاثِيَّةُ: (أ) اِقْرَأِ الشَّعْرَ الْمَنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا.

(شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان. سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده است، مشخص کن.)

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدر هستند.	أَيْهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ	إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّمٌ وَ لِأَبٍ	بهر
آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟	هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ	أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نَحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ	مس
بلکه آنان را می‌بینی (می‌پنداری) از تگه گلی آفریده شده‌اند. آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی هستند؟	بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ ^۲	هَلْ سِوَى ^۱ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ ^۳ وَ عَصَبٍ ^۴	استخوان
افتخار تنها به جزدی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.	إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ	وَ حَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ	شرم

(ب) اسْتَخْرِجْ مِنَ الْأَيَّاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

(از بیت‌ها اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور و صفت و موصوف را بیرون بیاور.)

اسم فاعل ← الفَاخِرُ / فعل مجهول ← خُلِقُوا / جار و مجرور ← بِالنَّسَبِ - لِأُمَّمٍ - لِأَبٍ - مِنْ فِضَّةٍ - لِعَقْلِ - مِنْ طِينَةٍ / صفت و موصوف ← عَقْلٍ ثَابِتٍ

الشَّرِيحَةُ الرَّابِعَةُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(احادیث نبوی را ترجمه کن. سپس [مواردی را که] از تو خواسته شده است، مشخص کن.)

۱- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذُكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ^۱ وَ لَا بَرَكَةَ فِيهِ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ «لَا»)

لای نفی فعل مجهول لای نفی بنس

ب (هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نمی‌شود، آن [غذا] تنها بیماری و مَرَض است و هیچ برکتی در آن نیست.)

۲- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ^۲. (نَوْعُ الْفِعْلِ)

فعل نفی

ب (خشمگین نشو، زیرا خشم، مایهٔ تباهی است.)

۱- قِيلَ: گفته شد (قَالَ: گفت)

۲- سِوَى: به‌جز

۵- الْغَضَبُ: پی

۲- الطَّيْنُ: گل

۴- الْعَظْمُ: استخوان «جمع: الْعِظَام»

سؤال های امتحانی

سؤال های ترجمه محور

۱- اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَظًّا.

الف) ﴿أَقِيمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (صورتت را بلند کن - چهرهات را بگردان - روی بیاور)
ب) لا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (شاخه ها - ملت ها - مردم)

۲- اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

الف) إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ (الله - الشَّيَاطِينِ - الأَضْنَامِ)
ب) عَلَّقَ النَّفَاسَ عَلَى الضَّمِّ الْكَبِيرِ وَتَرَكَ الْمَغْبَدَ. (كَيْفِ - يَدِ - ضَدْرِ)

۳- اَكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْإِسْمَيْنِ التَّالِيَيْنِ.

الف) الْقُرْبَانَ جمع ←

ب) الْآلِهَةَ مفرد ←

۴- اَكْتُبِ الْمَفْرَدَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

مُؤْمِنِينَ - أَشْلُوبَ - حَسِبَ - أَلْرُّسَلَ - جَدِيدَةَ - جَهْلَ

الف) طَرِيقَةً = الأَنْبِيَاءَ = ظَنَّ =

ب) مُشْرِكِينَ = قَدِيمَةً = عَرَفَ =

۵- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

الف) عَسَى عَسَى نَعَلَ لَيْسَ
ب) اَعْبَدُوا اَعْبَدُوا اِزْكَعُوا اَعْلَقُوا اَسْجَدُوا

۶- اِفْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

الف) وَ لَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ:

(۱) ولی خداوند متعال مردم را در این حالت رها نمی کند. (۲) ولی خداوند متعال مردم را در این حالت رها نکرد.

ب) بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَاَسُونَ:

(۱) قوم شروع به پیچ کردن. (۲) قوم شروع به گفت و گو کردند.

۷- اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ.

الف) يَقْطَعُ النَّاسُ الْأَشْجَارَ بِأَنَّ



ب) يَغْتَبِدُ بَعْضُ النَّاسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

۸- كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ.

الف) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَضْنَانَهُمْ مُكْسَرَةً: هنگامی که مردم برگشتند،

ب) قَذَفُوهُ فِي النَّارِ. فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا: او را در آتش افکندند و

پاسخ سؤال‌های امتحانی

۷- نام هر تصویر را در جای خالی بنویس.

(الف) يَقَطِّعُ النَّاسُ الْأَشْجَارَ بِالْفَأْسِ. (مردم، درختان را با تبر قطع می‌کنند.)
 (ب) يَغْتَبِدُ بَعْضُ النَّاسِ الْأَصْنَامَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (برخی از مردم، بت‌ها را به جای خدا می‌پرستند.)

۸- ترجمه عبارت‌ها را تکمیل کن.

(الف) هنگامی که مردم برگشتند، دیدند بت‌هایشان شکسته شده است.
 (ب) او را در آتش افکندند (انداختند) و خداوند او را از آن [آتش] نجات داد.

۹- جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

(الف) ای که نابخردانه، افتخارکننده به دودمان هستی / مردم تنها از یک مادر و پدر هستند.

(ب) بلکه آنان را می‌بینی از تگه گلی آفریده شده‌اند / آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند؟

(ج) پنداشتند (گمان کردند) که ابراهیم عليه السلام [همان] انجام‌دهنده (کار) است.

۱۰- عبارتی را که در آن تأکید یا تشبیه یا زجاء (امیدداشتن) هست، مشخص کن.

(الف) امید است شما اندیشه کنید (خردورزی کنید). / واژه «لَعَلَّ»: شاید، امید است» برای «امید» به کار می‌رود.

(ب) بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است / این آیه کریمه نیز به دلیل وجود واژه «إِنَّ» در آن، دارای «تأکید» است.

(ج) آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند. / در این آیه کریمه، واژه «كَأَنَّ» وجود دارد که برای «تشبیه» به کار می‌رود.

۱۱- فعلی را که در نوع (از نظر نوع) با سایر فعل‌ها هماهنگی ندارد، مشخص کن.

(الف) فعل «أَكْرِمُ»: گرامی می‌دارم» مضارع است و بقیه فعل‌ها، ماضی هستند.
 (ب) فعل «لَا تُشْكِرُونَ» به دلیل حذف نشدن نونش، مضارع منفی است، ولی سایر گزینه‌ها فعل نهی هستند.

۱۲- [مورد] درست یا نادرست را درباره نوع «لا» مشخص کن.

(الف) هیچ دینی ندارد کسی که هیچ عهد و پیمانی ندارد. (منقول ابنه که کسی که به عهد و پیمان خودش پایبند نیست، نمی‌شود او را دیندار دانست!) / «لا» در این عبارت، «لا»ی نفی جنس است؛ چون پس از آن اسم فاعله دار (نکره) آمده است!

(ب) مؤمن چیزی را با پروردگار خویش شریک نمی‌سازد. / «لا» در این عبارت، «لا»ی نفی مضارع است نه «نهی»؛ چون آخر فعل «ضَعَهُ» دارد نه سکون!

۱۳- پاسخ درست را مشخص کن.

(الف) فعلی است از افعال ناقصه:

گویی ولی بود

۱- برای کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، ترجمه درست را انتخاب کن.

(الف) «به دین یکتاپرستی روی بیاور.» (أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور)

(ب) هیچ ملتی از ملت‌های زمین [نبوده] و نیست، مگر این که دین و روشی برای عبادت داشته است. (شُعُوب: ملّت‌ها)

۲- با توجه به معنی، کلمه مناسبی در جای خالی قرار بده.

(الف) إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاوَلُ أَنْ يُقَدِّدَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ: [بی‌شک] ابراهیم عليه السلام تلاش کرد که قوم خود را از پرستش بت‌ها نجات دهد. (خدا - شیطان‌ها - بت‌ها)

(ب) عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الصَّخْرَةِ الْكَبِيرِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ: تبر را بر شانه بت بزرگ آویخت و عبادتگاه را ترک کرد. (شانه - دست - سینه)

۳- مفرد یا جمع دو اسم زیر را بنویس.

(الف) الْقُرْبَانِ جمع ← الْقُرَابِين (قربانی‌ها)

(ب) الْأَلِهَةِ مفرد ← آلِهه (معبود)

۴- مترادف‌ها و متضادها را در جای مناسب خود بنویس.

(الف) طَرِيقَةٌ = أسلوب (روش، راه)

الْأَنْبِيَاءُ = الرُّسُل (پیامبران)

ظَنٌّ = حَسِبَ (پنداشت)

(ب) مُشْرِكِينَ (مشرکان) = مُؤْمِنِينَ (مؤمنان)

قَدِيمَةً (قدیمی، باستانی) = جَدِيدَةً (جدید، نو)

عَرَفَ (دانست) = جَهَلَ (ندانست) [در این جا، «عَرَفَ» با «عَلِمَ» مترادف و هم‌معنا هستند!]

۵- کلمه‌ای را که در معنی با سایر کلمات هماهنگی ندارد، با ذکر دلیل، مشخص کن.

(الف) امید است. شاید - امید است

شاید نیست

● کلمات «عَسَى»، «رُبَّمَا» و «لَعَلَّ» از نظر معنی، بر «امید به انجام شدن کار» دلالت می‌کنند، ولی کلمه «لَيْسَ»: چنین مفهومی ندارد.

(ب) عبادت کنید رکوع کنید

بیاویزید سجده کنید

● فعل‌های امر «اعْبُدُوا»، «ارْكَعُوا» و «اسْجُدُوا» همگی به نوعی در ارتباط با عبادت و پرستش است، ولی «عَلَّقُوا»: بیاویزید» چنین مفهومی ندارد.

۶- عبارت‌های زیر را بخوان، سپس ترجمه درست آن‌ها را مشخص کن.

(الف) گزینۀ «۲»: لَمْ يَثْرُكْ: رها نکرد [لَمْ] + مضارع تغییر یافته «ماضی منفی» یا «ماضی نقلی منفی»]

(ب) گزینۀ «۱»: بَدَأَ ... يَتَهَاْمَسُونَ: شروع به پیچ کردن.